

فهرست

- در باره نویسنده ۹
- یادداشت مترجم ۱۱
- فصل یکم: من هیچ کسی نیستم ۱۵
- فصل دوم: ولی امشب در جاده نورث لاین ۱۴۷
- فصل سوم: خداوند مرا به کمک تو فرستاد ۲۵۹
- فصل چهارم: تا تو بتوانی زنده بمانی ۳۹۱
- فصل پنجم: و کسی دیگر را به زندگی بازگردانی ۶۱۹

درباره نویسنده

ریچارد پاورز، رمان‌نویس آمریکایی، که با این ترجمه برای نخستین بار به جامعه فرهیخته و کتاب‌خوان ایران معرفی می‌شود، در سال ۱۹۵۷ در ایلینوی، ایالات متحد، به دنیا آمد. چهارمین فرزند از پنج فرزند خانواده بود، از پدری در شغل ناظم مدرسه راهنمایی و مادری خانه‌دار. تا یازده سالگی در شیکاگو بزرگ شد. در این سن، پدرش او و خانواده را به بانکوک، برد، که در آنجا به مدت پنج سال یک مدرسه بین‌المللی را اداره می‌کرد. در سال‌های دور از آمریکا مهارت‌هایش را در موسیقی آوایی ارتقا بخشید، و خبرگی‌اش را در نواختن ویولن سل، گیتار، ساکسیفون و کلارینت بسط داد. عطش زیادی برای خواندن داشت و از کلاسیک‌هایی چون ایلیاد و ادیسه لذت می‌برد. پس از خواندن و غرق شدن در کارهای مدرنیست‌هایی چون جویس، کافکا و توماس مان تصمیم گرفت اوقات فراغتش را صرف یادگیری برنامه‌ریزی رایانه‌ای کند.

در بازگشت به آمریکا، تحصیل در دبیرستان را تمام کرد و وارد دانشگاه ایلینوی شد. در دانشگاه ایلینوی فیزیک، فن بیان و ادبیات خواند، با گرایش اصلی فیزیک، که در نخستین نیم‌سال آن را به ادبیات انگلیسی تغییر داد. در ۱۹۸۰ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در ادبیات شد. بعد، بر آن شد که تحصیلاتش را تا دریافت درجه پی‌اچ‌دی دنبال کند. در حال حاضر، در دانشگاه‌های ایلینوی و استنفورد ادبیات خلاق تدریس می‌کند.

پاورز برنده جایزه‌های متعدد معتبری است که از میان آنها جایزه کتاب ملی در سال ۲۰۰۶ شایان ذکر است. ستایش‌های صاحب‌نظران و منتقدان ادبی در پیش درآمد و پشت جلد کتاب آمده‌اند.

ویژگی بارز و شایان تأکید کارهای آقای پاورز این است که او در کنار و در میان رمان‌هایی که هریک از برجستگی‌های خیال‌انگیز ادبی برخوردارند، جابه‌جا به دنیای علمی مانند زیست‌شناسی، زیست‌شیمی، ژنتیک، پزشکی گریز می‌زند و از جهان پرآوا و جان‌نواز موسیقی نیز برای عمق بخشیدن به حساسیت‌های روح انسان مدد می‌گیرد. این کار را با چنان استادی و تسلطی انجام می‌دهد که خواننده رمان در کنار شرح حوادث واقعی زندگی که جانمایه قصه است به جهان بی‌منتهای شناخت و تفکر راه می‌یابد.

کارهای این نویسنده علاوه بر این جنبه فکری عقلانی، از عنصر عاطفی و رنگ‌مایه غنی برانگیزنده احساسات برخوردارند.

آشتی و پیوند دوباره با طبیعت و عاطفه سرشار انسانی نسبت به هم‌نوع و طبیعت از ویژگی‌های بارز و برتر کارهای او است. با یاری گرفتن از دستاوردهای علم و به کمک نوعی تأمل و مراقبه در حال انسان و جامعه، نویسنده مرزهای شناخت علمی را از راه تخیل و قصه‌پردازی فراتر می‌برد. در کتاب حاضر، ابزار علمی او عصب‌پزشکی و عصب‌پژوهی است. با استفاده از ره‌آوردهای پزشکی اعصاب و روان و عصب‌پژوهی و مدد گرفتن از تخیل بسیار قوی خود، خواننده را به مشاهده و تعمق در روان خویش و پیچیدگی‌ها و گره‌های گشوده نشده آن می‌برد.

اگر یک وجه از رسالت ادبیات و هنر و نقش قصه بالا بردن آگاهی انسان از خود، جامعه و طبیعت باشد، نویسنده این رساله را به گونه شایانی از عهده برآمده است. او خواننده را به شناخت از خود، به مشاهده لایه‌های تودرتوی روحش هدایت می‌کند، و از این رهگذر به ما کمک می‌کند که در خویش بهتر بنگریم و نقصان‌ها و ضعف‌های خود را بهتر ببینیم. و سرانجام اگر خوب بخوانیم، خوب فکر کنیم و به دریافت‌های خود وفادار باشیم انسان‌های بهتری برای هم‌نوع خود و جامعه بشری خواهیم بود.

ریچارد پاورز از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۸ دوازده رمان نوشته است. از میان آنها علاوه بر پژواک برانگیز، رمان دیگر او به نام بخشندگی نیز توسط همین مترجم به فارسی برگردانده شده است.

یادداشت مترجم

و از انسان‌ها بگوئیم، از آن بی‌شمار آنگیرهای کوچک جدا افتاده از هم، انباشته از بی‌نهایت ذرات زنده. راستی را آن‌ها چه بودند، اگر نه راهی برای گریز آب از پیوستن به رود؟

لورن آیسلی، سفر بی‌منتها

قلمرو شناخت وادی حیرت است. شناخت را اگر بخواهیم در چند کلمه تعریف کنیم باید بگوئیم شناخت یعنی طرح پرسش‌ها و ماندن در پاسخ آن‌ها. به این دلیل است که هر چه دامنه معرفت گسترده‌تر می‌شود پرسش‌های تازه‌تر مطرح می‌شوند، که حل هر یک از آن‌ها همراه با خودنمایی پرسش‌های دیگر است. حیرت و استفهام. معرفت یعنی این. طنز زندگی است، طنز آگاهی و شعور، طنز تکامل دانش و فناوری. کتابی که من ترجمه کرده‌ام، کتاب آقای ریچارد پاورز، یعنی پژواک برانگیز، این را به روشنی نشان می‌دهد. انسان را مانده در خویش، گم‌گشته در درون، در نفس، ذات، روان، یا هر چه می‌نامیدش، نشان می‌دهد. به ظاهر، همه چیز معلوم است یا می‌تواند معلوم باشد: روابط علیتی، رابطه رفتار با کالبدشناسی و فیزیولوژی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و عصب‌پژوهی همه داده‌های خود را دارند، و پیوسته امکان‌های بیشتری را برای شکافتن پوسته ظاهر و رخنه در درون می‌گشایند. اما با اولین گامی که به آن عرصه، یعنی درون، بگذاری، دچار دهشتی هول‌آور می‌شوی، از ژرفای معما، از عمق نادانی. این رشته‌های علمی و رشته‌های